سرگذشت آفرینش انسان

حکمت، علی اصغر

مشیت چو پیدا شد از کردگار یکی راز پنهان بشد آشکار همان لحظه در کارگاه قدم‏ وجودی نمودار شد از عدم‏ شبی بود تاریک و برقی جهید از آن برق هفت آسمان شد پدید زمین گشت خود جزوی از آسمان‏ که راز ازل بود در آن نهان‏ بشب روز گفت این جهان ساخته است‏ تو را هست زین گفته رمزی بدست‏ به کاری چو فرمان کند از نخست‏ بتدریج آن کار سازد درست‏ زهر ذره کرد آفتاب پدید چو سنگ و گیه جانور آفرید سبب‏ها پیاپی فراهم نمود بیامیخت آن را و درهم نمود پدیدار شد صد هزاران صور که هر صورت از دیگری خوبتر بپیمود در نردبان بقا بهر صورتی پله‏ای ز ارتقا